

تأثیرات ژئوپلیتیکی شیوع کرونا

محسن جان‌پرور^۱ - ریحانه صالح آبادی^۲ - ساجد بهرامی جاف^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

چکیده

شیوع ویروس کرونا تأثیرات مختلفی را بر وضعیت ژئوپلیتیکی جهان بر جای گذاشته است. از این رو با توجه به تأثیرات منفی ویروس کرونا، جهت هرگونه برنامه‌ریزی برای روبه‌رو شدن با مسائل آن ضروری است که حالات مختلف پیش‌روی ساختار ژئوپلیتیکی جهان بررسی و استراتژی‌های مرتبط با حالات مختلف در دستور کار واقع شود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر تکنیک‌های آینده‌پژوهی از جمله تحلیل تأثیرات متقابل است. در این تحقیق برای ۸ عامل کلیدی مجموعاً ۴۰ حالت (عدم قطعیت) در نظر گرفته شده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از بین سناریوهای تدوین شده، ۱۱ سناریوی قوی و محتمل، پیش‌روی آینده وضعیت ژئوپلیتیکی ناشی از شیوع ویروس کرونا وجود دارد. از ۱۱ سناریوی قوی و محتمل، ۴ سناریو وضعیت نامطلوب، ۲ سناریو وضعیت مطلوب، ۵ سناریو نیز دارای وضعیت ایستا و بینابینی است. نتایج نشان می‌دهد که احتمال وقوع حالت‌های منفی ساختار ژئوپلیتیکی جهان در مواجهه با ویروس کرونا دو برابر احتمال رخ دادن حالت‌های مطلوب است. بنابراین با توجه به هدف اصلی دانش ژئوپلیتیک که طراحی بهترین استراتژی در مناسبات بین بازیگران است، باید مناسب‌ترین استراتژی‌ها در ارتباط با پیامدهای منفی این ویروس در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، کرونا، تهدیدات پاندومیک، آینده‌پژوهی، سناریو

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
janparvar@um.ac.ir

۲. دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Salehabadi100@gmail.com

a.bahrani@um.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مقدمه

تهدیدات بیولوژیک دارای تاثیرات قابل توجهی بر تمدن‌های بشری در طی قرن‌های متمادی داشته است. به عنوان مثال می‌توان بیان نمود یکی از اولین بیماری‌های عفونی که توانسته است تاثیرات قابل توجهی بر جوامع انسانی بگذارد مربوط به یونان باستان در حدود ۴۳۰ سال قبل از میلاد است که تحت عنوان طاعون ویرانگر آتن شناخته می‌شود. این بیماری سبب کشته شدن ۴۰۰۰۰ نفر از مردم شد (Morens, 2008: 15). اگرچه علت بیمار طاعون آتن ناشناخته بوده است اما از آن زمان تاکنون بسیاری از عوامل طبیعی و بیوتروستی و بیولوژیکی در طول تاریخ به ثبت رسیده است. مرگ سیاه یکی از کشنده‌ترین بیماری‌های عفونی در طول تاریخ منجر به مرگ ۵۰ میلیون نفر شد که تقریباً ۷۰ درصد تلفات آن از کشورهای اروپایی بوده است و سبب کاهش جمعیت به یک سوم گردید (Smolinski, 2003: 5). در حال حاضر آنفولانزا یکی از کشنده‌ترین بیماری‌های است که سالانه منجر به مرگ ۵۶۰۰۰ نفر در ایالات متحده امریکا می‌شود (Narayan, 2017: 15). در واقع عوامل بیولوژیکی سبب ایجاد هنجارهایی در قدرت ملی جهت دفاع و جلوگیری از انتشار آن محسوب می‌گردد (Allhoff, Evans, Henschke, 2013: 25). ظهور عوامل بهداشتی به عنوان موضوع مهم در امنیت بین‌المللی مطرح می‌باشد که فراتر از تهدیدهای نظامی ایجاد شده از سوی دولت‌ها مهم تلقی می‌شود. سه متغیر مفهومی در این ارتباط وجود دارد: اولاً تغییر تجدید امنیت ملی شامل تهدیدهای غیرنظامی مانند تخریب زیست‌محیطی، جرائم سازمان یافته، پناهندگان و تروریسم است (Richard, 1983: 130). تغییر دوم نشان دهنده این است که این تهدیدات در اصل کشورهای جهانی نیستند بلکه بازیگران فراملی یا غیردولتی را به صورت گسترده دربردارد (Jessica, 1997: 55). تغییر سوم تمرکز بر امنیت افراد و گروه‌های داخل کشور و نه فقط کشورها و دولت‌ها است (Buzan, 1994: 23). بنابراین امنیت بشر در عصر کنونی تحت تاثیر روند بیماری‌های گسترده و عرضه خدمات بهداشتی قرار گرفته است (Koblentz, 2010: 98). امنیت انسانی و امنیت بهداشتی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد (Commission on Human Security, 2003: 6). زیرا این عامل در عصر کنونی در ارتباط مستقیم با سایر مولفه‌های امنیت آفرین جهانی قرار دارد و تمامی ابعاد ژئوپلیتیک جهانی را تحت تاثیرات مستقیم و

غیرمستقیم خود قرار می‌دهد. با توجه به اینکه عصر کنونی می‌تواند به عنوان دوره‌ای از شیوع بیماری‌های واگیر شناخته شود بنابراین می‌تواند بیش‌تر از جنگ، جوامع انسانی و حکومت‌ها را در معرض خسارت اقتصادی، مادی و معنوی قرار دهد. از آنجا که علم ژئوپلیتیک؛ قدرت، سیاست و فضا را مورد بررسی قرار می‌دهد می‌توان بیان نمود که بیماری‌ها به عنوان یک عامل اصلی که در سرزمین‌های مخلف می‌توانند وجود داشته باشند و به عنوان عنصری فرامرزی عمل نمایند قدرت کشورها را در تمامی ابعاد تحت تاثیر قرار داده و وزن ژئوپلیتیکه حکومت‌ها را دچار تغییر و تحولاتی می‌نماید. هم‌اکنون عرصه جهانی با بیماری کووید ۱۹ از دسامبر ۲۰۱۹ درگیر شده است. این بیماری نخستین بار از شهر ووهان چین به سایر مناطق جهان گسترش پیدا کرده است و هم‌اکنون دارای همه‌گیری وسیعی می‌باشد به طوری‌که نزدیک به نیمی از مردم جهان در قرنطینه اجباری به سر می‌برند. شیوع این بیماری به صورت گسترده می‌تواند تائیرات ژئوپلیتیکه وسیعی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. با توجه به اینکه اندیشیدن در مورد آینده برای داشتن عملکردهای مناسب و صحیح ضروری است لازم است تا واکنش‌ها و کنش‌های موجود در یک قلمرو سرزمینی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهیم. از این‌رو تصویرهای آینده آرمان‌ها، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها و آرزوها می‌توانند به عنوان پیش‌ران‌های فعلی ما در نظر گرفته شوند. بنابراین بررسی آینده جهانی پس از کرونا و تغییرات ژئوپلیتیکه مرتبط با آن از موضوعات مورد توجه می‌باشد که از طریق تهیه سناریوهای مناسب و صحیح قابل بررسی و پیش‌بینی خواهد بود. بنابراین سناریونویسی تحت عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری مناسب برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله با روش آینده‌نگری به دنبال تائیرات این بیماری بر روند تحولات ژئوپلیتیکه جهانی از منظر عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماعی هستیم.

هیسبورگ^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای بیان می‌کند بیماری همه‌گیر COVID-19 سبب شده است تا قدرت دولت‌ها را با توجه به نقش سنتی خود به عنوان حامیان و محافظان جوامع مدنی در برابر تهدیدات خارجی با چالش‌هایی روبرو سازد (Heisbourg, 2020). بای^۲ (۲۰۲۰) در

1. Heisbourg

2. Bai

مقاله‌ای بیان می‌کند بیماری کووید ۱۹ نظم جهانی را برای همیشه تغییر خواهد داد. از دیدگاه جهانی نیز کشورهای جهان پاسخ‌های متفاوتی به این بیماری همه‌گیر دادند. از یک سو تناقض بین ایالات متحده و چین بسیار زیاد است و از طرف دیگر همکاری بین کشورهای آسیای شرقی را می‌توان مشاهده نمود. به‌ویژه چین، ژاپن و کره جنوبی رابطه متقابل چشمگیری دارند. بنابراین تأثیرات ژئوپلیتیکی این بیماری در مناطق مختلف جهان به صورت متفاوتی نمود یافته است (Bai, 2020). سیمینو^۱ (۲۰۲۰) بیان می‌کند بیماری کووید ۱۹ سبب یک شوک استراتژیک و تقریباً مخرب و فوری به اقتصاد گردید از سویی دیگر باعث به وجود آمدن اختلالات ثانویه در نظم جهانی شده است. این عامل در کشورهای در حال توسعه نمود بیشتری دارد. با این حال این اتفاق به عنوان بزرگترین تهدید برای نظم جهانی بعد از وقوع جنگ جهانی دوم می‌باشد (Cimmino, 2020). رگرنز^۲ (۲۰۲۰) نیز اعتقاد دارد که این بیماری سبب ایجاد دوره انتقالی در ژئوپلیتیک جهانی است. بقایای انترناسیونالیسم لیبرال با نقش آمریکا همزمان با نگرانی‌های ژئوپلیتیکی به طور فزاینده‌ای زیر سوال رفته است. در واقع این عامل سبب شده است تا انترناسیونالیسم لیبرال بر مبنای گسترش تجارت جهانی و افزایش جهانی‌سازی تحت سیستم متصل به هنجارها و ارزش‌های غربی متزلزل گردد (Regens, 2020). کلیمکین^۳ (۲۰۲۰) نیز در مقاله‌ای بیان می‌کند از جمله عواقب مختلف ژئوپلیتیکی بیماری کووید ۱۹ تعریف مجدد اولویت‌های کوتاه‌مدت بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی است. در میان سایر موارد، اتحادیه اروپا و سازمان آتلانتیک شمالی درگیر چالش‌های داخلی نوینی شده است و این عامل می‌تواند در بازتعریف ژئوپلیتیکی سازمان‌ها تأثیرگذار باشد (Klimkin, 2020).

مبانی نظری

مفهوم ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک در دوره جنگ جهانی به‌عنوان یک عاملی که می‌تواند در کشف جغرافیایی و ایجادکننده یک رقابت سیاسی گسترده در سطح جهانی مطرح باشد تعریف شد. نظریه‌پردازان

1. Cimmino
2. Regens
3. Klimkin

مرتبط با این دیدگاه، تئوری‌هایی را برای تقویت نمودن قدرت کشورها بیان نمودند. در این ارتباط یکی از جغرافی‌دانان به نام داس^۱ بیان می‌کند: در طول صد سال گذشته تلاش‌های بسیاری برای ترسیم نمودن تاریخ پیچیده علم ژئوپلیتیک صورت گرفته است و این عامل سبب ایجاد پیچیدگی‌های تاریخی و سیاسی در این حوزه شده و در طول قرن بیستم رویکردهای تنوعی در ارتباط با بررسی تاریخی این علم پدید آمده است (Dodds, 2007: 31). در این بین، در ارتباط با تعریف ژئوپلیتیک می‌توان بیان نمود که این علم به تجزیه و تحلیل اثرات جغرافیایی بر روابط قدرت در سطح بین‌المللی تاثیرگذار است. همچنین ژئوپلیتیک به عنوان مطالعه تاثیر موقعیت، جمعیت و غیره بر روی سیاست یک کشور می‌باشد (Longman, 433). هوشفر^۲ بیان می‌کند ژئوپلیتیک علمی جدید برای دولت ملت‌ها است که از ویژگی‌های جبرگرایی محیطی تحت تاثیر فرایندهای سیاسی بویژه جغرافیای سیاسی برخوردار است (Taylor, 1993). بنابراین می‌توان مشاهده نمود که ژئوپلیتیک دارای نوعی تعصب ملی می‌باشد. در تعریفی دیگر از سوی هاگان^۳ ژئوپلیتیک به عنوان سیاست قدرت مطرح شده است (Altunışık, 2010: 15). یکی از ویژگی‌های تعاریف مرتبط با ژئوپلیتیک، برقراری پیوند بین مفاهیم جغرافیا و تاریخ است. در واقع این علم به دنبال تجزیه و تحلیل تعاملات بین چشم‌اندازهای جغرافیایی و فرایندهای سیاسی است که بتواند فرایندهای سیاسی پویا را شناسایی نموده و میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آنها را بررسی نماید (Cahnman, 1943: 56). پس از جنگ جهانی دوم، بسیاری از دانشگاہیان به ژئوپلیتیک بر مبنای یک دیدگاه نظامی‌گرایانه که مرتبط با فضای حیاتی لب‌سروم بود تاکید داشتند. این عامل سبب شد تا این علم موجب فاصله‌گیری آن از سایر زمینه‌های جغرافیایی در امریکای شمالی و اروپا گردد. در سال ۱۹۷۴ گوچوننت^۴ مقاله‌ای با عنوان «مرزها در بحث جغرافیای سیاسی» منتشر نمود که به عنوان یک شبه‌انقلاب در علم ژئوپلیتیک محسوب می‌گردد. سپس هرودت^۵ بحث‌های منحصر به فردی را در ارتباط با استراتژی و ایدئولوژی با هدف شناخت بحران در مناطق جغرافیایی مطرح نمود که بیشتر در برگیرنده عملگرایی در حیطه علوم جغرافیایی بود.

1. Doss
2. Haushofer
3. Hagan
4. P. Guichonnet
5. Hérodote

در سال ۱۹۸۶ هرودوت به بیان جغرافیا و تحلیل ژئوپلیتیکی پرداخت. در این بین ایولا کوست^۱ اظهار داشت که ژئوپلیتیک بدان صورت که راتزل در خدمت علوم نظامی در راستای افزایش فضای حیاتی تعریف نموده است نمی‌باشد. لاکوست اصطلاح ژئوپلیتیک را در ارتباط با صلح و عدالت اجتماعی و دموکراسی بیان نمود (Costa, 2008: 243). این تعریف در برخی از کشورها مانند برزیل و شیلی حساس تر بود، زیرا محققان ژئوپلیتیسین که در امنیت ملی برزیل و شیلی استقرار داشتند دارای دیدگاهی فاشیستی نسبت به مسائل بودند (Cavalla, Chateaux, 1977: 25). از نظر پیترز^۲ (۱۹۹۹) اصطلاح ژئوپلیتیک به عنوان یک مولفه اساسی در سیاست خارجی کشورهای غربی در طول جنگ سرد محسوب می‌شد. زیرا این اصطلاح بیان کننده مفهومی برای تبیین رقابت در حوزه‌های نفوذ ناشی از تنگنای استراتژیک کشورهای غربی از سوی اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد. در دهه ۱۹۹۰ و دوران پس از جنگ سرد، آرمانگرایی لیبرال تقویت شد و این نگرش بیان می‌نمود که پایان مرزبندی‌های سیاسی فرا رسیده است و گسترش دموکراسی به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌باشد که سبب شده است تا دنیا به یک دهکده کوچک تبدیل شود. فرانسیس فوکویاما استدلال نموده است که پیروزی دموکراسی لیبرال غربی و بازار آزاد سبب ایجاد شکل جدید از جهان شده است، جایی که جغرافیا و مرزها از اهمیت کمتری برخوردار هستند و در این بین موضوعات مرتبط با مسائل ملی باعث ایجاد نسل جدید از تهدیدات از جمله جرائم سازمان یافته، تروریسم و ... شده است. این امر باعث تضعیف حاکمیت دولت‌ها در برابر تهدیدات دنیای جدید که دیگر به مرزها احترام نمی‌گذارد شده است (Petta, 2019: 45). در متون فارسی نیز صاحب‌نظران، تعاریف مختلفی از ژئوپلیتیک ارائه دادند که بدین شرح است: «ژئوپلیتیک عبارت است از شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای» (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). «ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و غیره را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و

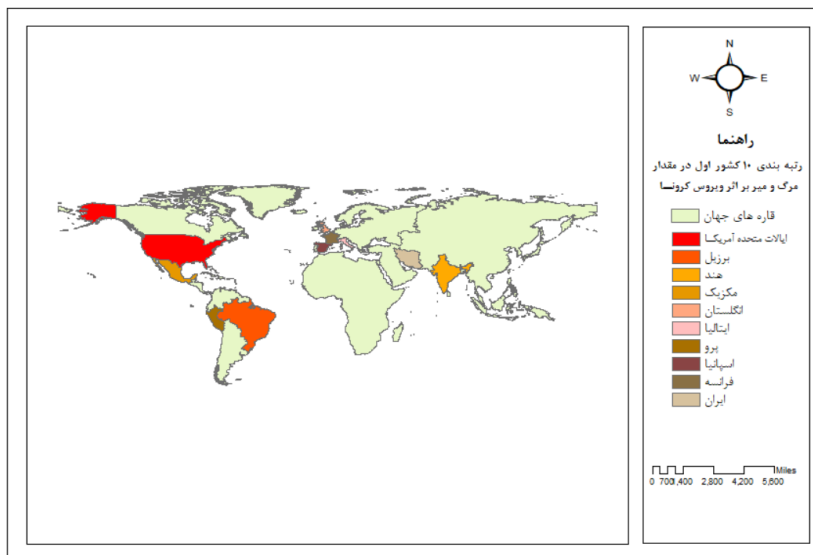
1. Yves Lacoste
2. Peters

جهانی، مطالعه و بررسی می‌کند» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). ژئوپلیتیک عبارتست از: «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). در بیان دیگر می‌توان گفت، ژئوپلیتیک عبارت است از دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات فرملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. به بیانی دیگر، ژئوپلیتیک دانش طراحی و بازبینی استراتژی‌های بازیگران جهت دستیابی به منافع و اهداف مبتنی بر منابع جغرافیایی قدرت است (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۹).

تهدیدات بیولوژیکی

تعداد زیادی از عوامل عفونی در طول تاریخ بشریت وجود داشته است که مسئول بروز حوادث بیولوژیکی بوده‌اند. مراکز کنترل پیشگیری از بیماری‌ها (CDC) و انستیتوی ملی آلرژی و بیماری‌های عفونی عوامل کلیدی تهدیدات بیولوژیکی را به سه دسته (A, B, C) طبقه‌بندی می‌کنند. عوامل بیماری‌زای دسته A شامل بالاترین عوامل بیولوژیکی با بالاترین اولویت است که از بیشترین خطر برای امنیت ملی و بهداشت عمومی برخوردار هستند. مقولات مرتبط با توانایی انتشار شخص به شخص، ایجاد مرگ و میر بالا، تاثیرات عمده بر سلامت عمومی و ایجاد هراس اجتماعی و بروز اختلالات فردی و عمومی می‌تواند از نتایج بیماری‌های این گروه محسوب شود (CDC, 2000: 19). عوامل گروه B، گروه وسیعی از میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا و نیز توکسین‌های بیولوژیک را شامل می‌شوند که انتشار نسبتاً آسانی دارند، اما از قدرت کشتار و آسیب‌زایی کمتری برخوردارند. تشخیص این ارگانیسم‌ها و توکسین‌ها نیازمند به‌کارگیری انواعی از روش‌های نوین تشخیصی است که مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها در امریکا پیشنهاد می‌کند. عوامل گروه C، شامل میکروارگانیسم‌های نوظهور و شدیداً بیماری‌زایی هستند که به خاطر در دسترس بودن و قدرت تکثیر و انتشار آسان، می‌توانند با فناوری‌های زیستی طوری تغییر یابند که به‌عنوان ارگانیسم‌های مرگبار در جنگ‌افزارهای بیولوژیک قابل استفاده گردند. این عوامل از این نظر مورد توجه هستند که به علت نبود دانش کافی از راه‌های انتشار، مکانیسم‌های عفونت‌زایی و کنترل آنها، برای مواجهه احتمالی با عوامل این گروه، باید پژوهش‌ها در حوزه‌های تشخیص، درمان و پیشگیری از

عقودت‌های حاصله توسعه یابد (زارع، ۱۳۹۴: ۱۸۵). در این بررسی سندروم حاد تنفسی کووید ۱۹ و تأثیرات ژئوپلیتیکی آن بر عرصه جهانی تحت عنوان بیماری طبقه A قابل بررسی است.



شکل ۱: نقشه پراکندگی قاره‌ای کشورهای دارای بیشترین تلفات بر اثر ویروس کرونا^۱

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. ماهیت داده‌ها کیفی و کمی و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، میدانی (پرسشنامه تأثیرات متقابل) و پیمایشی (در چند مرحله است). برای تحقیق ابتدا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرات ژئوپلیتیکی شیوع ویروس کرونا شناسایی شدند، در مرحله بعد وضعیت‌های احتمالی مختلفی برای هر کدام از عوامل کلیدی در نظر گرفته شد و مجموعاً ۴۰ حالت برای ۸ عامل کلیدی اختصاص یافت، بر اساس عوامل کلیدی و حالت‌های مختلف آن پرسشنامه‌ای به صورت متقاطع طراحی شد و در اختیار جامعه آماری تحقیق که ۱۸ نفر از متخصصان رشته جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ژئوپلیتیک بوده‌اند قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در چند بخش شامل پویای محیطی (برای جمع‌آوری شاخص‌های مربوطه) و تکنیک آثار متقابل (استفاده از نرم‌افزار سناریویزارد برای

۱. آمار ارائه شده از سوی سازمان جهانی بهداشت تا روز سه‌شنبه ۱ مهر ۱۳۹۹ است.

تدوین سناریو) است. وزن دهی به پرسشنامه به صورت مقایسه‌ای زوجی و میزان ارتباط بین متغیرها با اعداد بین ۳- تا ۳ بوده است. روایی این پرسشنامه توسط جامعه آماری مورد تأیید واقع شد. پرسشنامه‌های تکمیل شده در نرم‌افزار سناریویزارد و از طریق دستور Ensemble وارد شدند؛ و در نهایت سناریوهای سازگار و ضعیف، شناسایی و تحلیل شدند.

تائیرات ژئوپلیتیکی کرونا

مولفه‌های ژئوپلیتیک (ارزش)

منظور از مولفه‌های ژئوپلیتیکی، متغیرهایی می‌باشند که دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از عوامل جغرافیایی و سیاسی روی یکدیگر هستند به صورتی که پدیدارهایی که از این واکنش شکل می‌گیرند نه صرفاً جغرافیایی محسوب می‌شوند و نه سیاسی؛ بلکه به عنوان عواملی هستند که سیاست داخلی یک کشور و همچنین مجموع روابط یک سازه سیاسی فضایی را با سایر کشورها در نظام سیستم بین‌الملل شکل می‌دهد. بنابراین این عوامل ناشی از ترکیب مولفه‌های سیاست، قدرت و جغرافیا هستند. در این ارتباط می‌توان به متغیر ثبات سیاسی ناشی از کروناویروس اشاره نمود که دارای تأثیراتی بر محیط جغرافیایی، قدرت کشورها و سیاست است. بی‌ثباتی سیاسی و جنگ‌های داخلی می‌تواند بر تغییرات سیاسی و اجتماعی کشورها تأثیرات قابل توجهی داشته باشد (Bowsby, 2019: 1). ثبات سیاسی در اصل، بیان کننده تعادل توازن میان خواسته‌های مردمی^۱ از یک طرف و کارویژه‌های دولتی^۲ از طرف دیگر است. به عبارتی دیگر، در درون هر جامعه‌ای اگر نظام سیاسی حاکم بتواند به خواست‌های متنوع مردم پاسخ درخور توجه و قانع کننده‌ای را ارائه دهد و نظام مزبور مطابق با باور، عقاید و در یک کلام ایدئولوژی مورد قبول ملت باشد و از جانب آن‌ها تایید گردد، آن نظام از ثبات مناسب و قابل توجهی برخوردار خواهد بود، پس چنانچه کارآمدی و کارایی دولت به هر دلیلی کاهش پیدا کند و یا اینکه باور ملی به نفی الگوی حاکم تعلق گیرد، زمینه بروز نارضایتی و تنش آفرینی در یک جامعه فراهم می‌آید که در صورت افزایش و تعلیق آن ممکن است به از بین رفتن مشروعیت سیاسی نظام حاکم در برابر ملت و در نهایت پدید آمدن

1. Needs People
2. State of Functions

رفتارهای اعتراض آمیز که تجلی بیرونی بی‌ثباتی سیاسی می‌باشد، منجر شود (روحانی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). در شرایط بی‌ثباتی سیاسی، اجرای برنامه‌های توسعه‌ای دولت-ملت‌ها با شکست و ناکامی روبرو خواهد شد. بی‌ثباتی سیاسی سبب افزایش ریسک در یک جامعه نیز می‌شود و از این طریق ارزش مورد انتظار بازده سرمایه کاهش پیدا نموده و انگیزه جهت پس‌انداز تضعیف می‌شود، مصرف‌گرایی افزایش می‌یابد و در نهایت این عامل سبب کاهش سطح سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی می‌گردد. علاوه بر این بیماری‌های واگیردار از جمله کرونا می‌تواند بر شدت بی‌ثباتی سیاسی در کشورها تاثیرگذار باشد. به عنوان مثال بی‌ثباتی سیاسی در برخی از موارد درگیری می‌تواند تاثیرات منفی بر زیرساخت‌های بهداشت عمومی داشته باشد. دو کشور سوریه و یمن به علت اختلافات داخلی و بین‌المللی می‌توانند تحت تاثیرات گسترده این بیماری قرار گیرند. اختلافات سیاسی بین رژیم‌های رقیب نیز به عنوان یکی از موانع موجود برای درمان‌های مراقبتی در مناطق درگیری محسوب می‌گردد و سبب می‌شود تا در صورت بروز کروناویروس در این مناطق، با مشکلات اساسی در زمینه بهداشت عمومی مواجه شوند و این خود سبب افزایش بی‌ثباتی سیاسی در این مناطق می‌گردد. همانطور که بیان شد این عامل می‌تواند ارزش خود را در ارتباط با کروناویروس کاهش دهد و به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر قدرت ملی، نوع روابط کشورها با یکدیگر و همچنین نظام ژئوپلیتیک جهانی و ظهور و سقوط دولت‌ها داری تاثیرگذاری قابل توجهی باشد. بنابراین در این دوره می‌توان شاهد تغییراتی در ارزش‌های بنیادین ژئوپلیتیک در عرصه‌های مختلف بود.

مولفه‌های ژئوپلیتیک (تعداد)

در این بُعد از تاثیرگذاری کروناویروس، می‌توان شاهد افزایش یا کاهش مولفه‌های ژئوپلیتیکی در عرصه جهانی بود. به عنوان مثال ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای که دارای پیوندهای درونی مستحکمی هستند نمونه‌ای از این افزایش است. کروناویروس سبب شده است تا بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی موجود در ۲۰۲۰ کشور درگیر با آن صلح و سعادت جهانی را تهدید می‌نماید. بنابراین کشورها با توجه به نوع ایدئولوژی‌های موجود به عنوان یک خانواده بزرگ به دنبال تقویت ظرفیت همکاری و سازوکارهای موثر بر مهار این

ویروس هستند. شیوع گسترده بیماری‌های عفونی همیشه به عنوان یک چالش جهانی محسوب می‌شده‌اند. تلفات سنگین سارس، ابولا و کوروناویروس سبب افزایش توجهات به سوی همکاری‌های اقتصادی و مبادلات فرهنگی شده است. جهان می‌تواند در پرتو این بیماری استفاده کامل را با اقدامات مقتدرانه برای نشان دادن اصول اخلاقی و حمایت‌های مادی در مواجهه با چالش‌های ناشی از این بیماری عمل نماید. این بیماری به چند صورت سبب افزایش همکاری‌ها شده است: اولاً دانشمندان چینی علائم بالینی این بیماری را به صورت مقالات به زبان انگلیسی برای جهانیان منتشر نمودند، دوماً همکاری‌های گسترده‌ای در زمینه زیست پزشکی برای کنترل و پیشگیری از این بیماری بین کشورها صورت گرفته است. منابع پزشکی جهانی به جمع‌آوری اطلاعاتی در ارتباط با تحقیقات دارویی و واکسن پرداخته‌اند و چندین برنامه مشترک را تدوین نموده‌اند. به عنوان مثال، دانشمندان دانشکده پزشکی هاروارد با یک تیم تخصصی به سرپرستی دکتر ژانگ نانشان در انستیتوی تنفسی گوانگژ برای ساخت دارو و واکسن تلاش می‌کنند. سوماً کمک‌های بین‌المللی برای کاهش کمبود منابع پزشکی از سوی کشورها انجام گرفته است. تقاضا برای مواد پزشکی افزایش یافته است؛ بنابراین کشورها نیز در این زمینه به کمک یکدیگر آمده‌اند. از سویی دیگر این بیماری سبب جدا شدن گروه‌های اقتصادی از یکدیگر شده است در نتیجه در بازار مالی جهانی ۱۰ درصد سقوط در هر هفته مشاهده می‌شود. عدم قطعیت بازار سبب شده است تا اقتصاددانان برجسته صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دچار هراس مالی با ارائه ارزیابی‌های عینی و استدلال‌ات مرتبط با تأثیرات این اپیدمی بر اقتصاد جهانی شوند. بنابراین برای جلوگیری از این موضوع در زنجیره تامین جهانی، ما شاهد ترکیب امور مالی و اقدامات مالیاتی چین با سایر کشورها و کمک به مشاغل و شرکت‌های خارجی می‌باشیم که به دنبال کاهش نتایج اقتصادی ناشی از این بیماری از طریق ایجاد همکاری‌های بین‌المللی و همچنین مشوق‌های نهادی برای اقتصاد داخلی و جهانی است. از سویی دیگر فضاهای ناامن و بحرانی تحت تأثیر حضور فیزیکی و رقابتی بازیگران و مداخله‌گران در امور سیاسی کشورها در این دوره افزایش خواهد یافت. در مناطقی که دارای بار استراتژیک بالایی هستند مانند منطقه خلیج فارس، می‌توان با استفاده از این عامل کشورهای منطقه را به صحنه‌های عملیاتی و جولانگاه بازیگران مختلف با منافع توأم متضاد و

مشابه در سطوح گوناگونی تبدیل نمود.

بازیگران ژئوپلیتیک (جایگاه)

در ارتباط با کروناویروس و تاثیرات آن بر جایگاه بازیگران ژئوپلیتیک، می‌توان بیان نمود که در دوره کنونی در اروپا و ایالات متحده برای مقابله با کروناویروس انزوآگرایی و سیاست درهای بسته اعمال شده است. سیاستمداران پوپولیستی اعتقاد دارند که کروناویروس سبب شده است تا بحث محافظت از مرزهای کشورهای پررنگ‌تر گردد (Roberts, 2020). نه کشور اتحادیه اروپا از جمله آلمان و فرانسه مجبور به بازگرداندن برخی از کنترل‌ها در این زمان شده‌اند؛ تغییر قوانین پناهندگی و مهاجرت از جمله این عوامل هستند (Laurent, 2020). پوشش رسانه‌ای جهان به روایتی نشان‌دهنده رهبری جهانی است. پکن در این میان تلاش نموده است تا نقش اصلی در کمک به ایتالیا و اسپانیا ایفا نماید و همچنین سرمایه‌گذاری هنگفتی برای مبارزه با کروناویروس در مقابل سیاست‌های ایالات متحده آمریکا انجام داده است که بیانگر تمرکز درونی سیاست‌های این کشور است (Campbell, 2020). در اواسط ماه مارس، چین مدعی پیروزی بر بیماری شد و سخنگوی وزارت خارجه اظهار نمود که قرنطینه‌های دسته‌جمعی، توقف سفر، تعطیل نمودن کامل زندگی روزمره در سراسر کشور باعث کاهش موج انتشار این بیماری شده است. چین دقیق‌ترین و کامل‌ترین اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با بیماری همه‌گیر را انجام داده است و در مقابل، ایالات متحده آمریکا با انتقاداتی در عدم مسئولیت و بی‌کفایتی از سوی نخبگان سیاسی واشنگتن روبرو شده است (Kurt, 2020). این امر می‌تواند باعث تغییر جایگاه بازیگران سیستم ژئوپلیتیک جهانی شد. با توجه به اینکه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم چین با موفقیت روبرو شده و توانسته است راهنمایی‌های مناسبی را به کشورهای اسپانیا، عراق و ایران و... دهد و از سویی دیگر همکاری‌های چین با ایتالیا به عنوان نمونه‌ای دلچسب از همبستگی جهانی خوانده می‌شود؛ بنابراین می‌توان انتظار داشت که این کشور که هم‌اکنون رهبری جهانی در بهداشت عمومی را در اختیار دارد آماده باشد تا در انواع دیگری از رهبری جهانی نیز ایفای نقش کند. کشورهای اروپایی و ایالات متحده تا حدودی در برابر این بیماری دچار ضعف سیستم ساختاری بوده است و از تاثیرات

منفی ناشی از این بیماری زیان‌های بسیاری دیده و وجهه غرب ناسیونالیسم و دموکراتیک در عرصه جهانی خدشه‌دار شده است. در حالیکه برخی از کشورهای به اصطلاح جهان سوم با انجام اقدامات پیشگیرانه توانسته‌اند این معادله را با چالش روبرو سازند.

بازیگران ژئوپلیتیک (تعداد)

کرون شوک‌های خارق‌العاده‌ای بر سیستم جهانی وارد ساخته است و باعث شده تا ایالات متحده آمریکا با الگوی ۵۰ ساله‌ای که به عنوان قطب جهان محسوب می‌شود دچار بحران قابل ملاحظه‌ای گردد. اولین سناریو، وجود دشمن مشترک است که سبب شده است تا مردم به این درک مشترک برسند که با یک دشمن و تهدید خارجی مشترک روبرو هستند. کروناویروس سبب شده است تا نوعی همکاری و هم‌جوشی با هدف رسیدن به سلامت جهانی شکل گیرد. درگیر شدن ایالات متحده به صورت گسترده با این بیماری موجب شده است تا به قطبی بودن این قدرت جهانی خاتمه دهد. این کشور برای حل معضلات ناشی از شیوع گسترده این بیماری به همکاری با سایر کشورهای جهان از جمله روسیه به صورت گسترده نیازمند است و این نشان می‌دهد که جهان به سمت چندقطبی شدن در حال حرکت است زیرا بدون همکاری و همیاری با سایر کشورها نمی‌توان بسیاری از معضلات و مشکلات پیش‌رو از جمله کووید ۱۹ را حل نمود (Coleman, 2020).

مناسبات ژئوپلیتیک ملی

ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی به عنوان مکتبی جهت شناخت و حفاظت از منافع ملی شناخته می‌شود. عنصر مهم در این مکتب ملت می‌باشد و باید به این نکته توجه نمود که بدون شناخت یک ملت، شناخت ناسیونالیسم امکانپذیر نخواهد بود (الهی منش، ۱۳۹۷: ۱۳۱). در واقع این اصطلاح به عنوان آیین شناخت قوانین زندگی یک ملت و فلسفه‌ای در راستای حفاظت از موجودیت آن یا صیانت از منافع ملی شناخته می‌شود (خلف زاده، ۱۳۹۰: ۲۰). در واقع، ناسیونالیسم می‌تواند به عنوان عنصری مهم در وحدت، انسجام و همبستگی قومی محسوب گردد. بروز بیماری واگیردار کرونا می‌تواند سبب افزایش آگاهی گروهی، افزایش

حس همبستگی و یگانگی بین ملت‌هایی که دارای اشتراکاتی در زبان، دین، ادبیات، سنت‌های تاریخی، تاریخ، اسطوره‌ها و ... شود. با توجه به اهمیت ناسیونالیسم می‌توان به جرات بیان نمود که تقویت این عامل در میان ملت‌ها می‌تواند این احساس مثبت را ایجاد نماید که در برابر معضلات و مشکلات پایداری بیشتری داشته باشند. کرونا یکی از معضلاتی است که سبب می‌شود نوعی وفاق ملی در طول این بحران شکل گیرد. در واقع هویت ملی در این بحران نوعی تعهد و تعلق عاطفی را نیز شکل می‌دهد و بخشی از هویت افراد بر این اساس شکل می‌گیرد. از سویی دیگر مبارزه با کروناویروس در حال حاضر سبب شده است تا دولت‌های محلی و فدرال از دولت مرکزی تقاضای کمک داشته باشند. هنگامی که به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود ما شاهد هستیم که رهبران ملی کشورها در نقش دولت‌های بزرگ دوباره ظهور نموده‌اند که می‌توانند از نقش مهمی در سلامتی و رفاه مردم برخوردار باشند. ما می‌توانیم ملاحظه کنیم که به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا باید از نقش دولت بزرگ برای خروج از این بحران استفاده نماید زیرا عدم سرمایه‌گذاری در طی چهار دهه اخیر در زیرساخت‌های این کشور نشان دهنده عدم موفقیت آنان در کنترل این بیماری از سوی دولت‌های فدرال موجود بوده است. در واقع در این دوره ما شاهد هستیم که سخنانی در ارتباط با اینکه من از دولت هستم و من برای کمک در اینجا هستم از سوی مردم شنیده می‌شود. در حقیقت این چیزی است که بیان می‌کند دولت ذاتاً بد نیست و بیانگر این است که وجود یک دولت کارآمد برای ایجاد نمودن یک جامعه سالم لازم و ضروری است. همانطور که آسیب‌های جنگ جهانی دوم سبب ایجاد یک دولت قوی‌تر با همبستگی ملی در ایالات متحده آمریکا شد؛ می‌توان گفت ویروس کرونا نیز می‌تواند بذریع ایجاد یک فدرالیسم مدنی جدید را تولید نماید که در آن ایالت‌ها و دولت‌های محلی به مراکز عدالت، همبستگی و دموکراتیک تبدیل می‌شوند. وقتی به عقب بر می‌گردیم به خوبی مشاهده می‌کنیم که برخی از جوامع بحران‌های به وجود آمده در عرصه جهانی را بهتر از سایرین حل و فصل نموده‌اند. و موفقیت در کشورهایی رخ داده است که رهبران آنها با روحیه ایثارگری برای منافع مشترک تلاش نموده‌اند. به عنوان مثال آزمایشگاه ویروس‌شناسی در دانشگاه واشنگتن به مراتب بیشتر از سایرین تلاش نموده است. برخی از فرمانداران، شهرداران، مسئولان آموزش و پرورش و

.... برای حمایت از جوامع خود به تقویت نوع دوستی و مسولیت پذیری در جامعه مورد نظر پرداخته‌اند. بنابراین می‌توان مشاهده نمود که نوعی فدرالیسم محلی نیز ممکن است شکل گیرد (Fung, 2020).

مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای

در ارتباط با منطقه جنوب شرق آسیا می‌توان بیان نمود کشورهایی که قبلاً تمایل به توسعه زیرساخت‌های خود داشتند بعد از بیماری کرونا وابستگی بسیار بیشتری به پکن خواهند داشت زیرا تاثیرات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی ناشی از این بیماری بسیار بالا خواهد بود. کشورهایمانند کامبوج و لائوس روابط نزدیک‌تر اقتصادی با چین خواهند داشت و سایر کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) ممکن است در این زمینه دنباله‌رو ایالات متحده آمریکا و ایجاد ارتباط با این کشور باشند. اندونزی در پروژه یک کمربند یک جاده (جاده ابریشم) همکاری نزدیکی با چین دارد. این کشور با توجه به ضعف سیستم بهداشتی و درمانی برای حمایت از اقدامات پیشگیرانه و کنترل کننده و همچنین برای گسترش زیرساخت‌های اقتصادی به سرمایه‌گذاری از سوی چین نیاز دارد؛ بنابراین بعد از کرونا ویروس می‌توان شاهد گسترش روابط منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا به‌ویژه در زمینه اقتصادی و بهداشتی بود. در ارتباط با مناسبات منطقه‌ای اتحادیه اروپا نیز می‌توان بیان نمود که تلاش‌های این اتحادیه برای ایجاد قابلیت‌های امنیتی و دفاعی در سایه اقدامات استراتژیکی قرار گرفته است. کشورهای عضو این اتحادیه قادر نیستند تا در زمینه کرونا ویروس به یکدیگر اعتماد کنند بنابراین چگونه می‌توانند در مبارزه با یک قدرت و تهدید خارجی اقداماتی را انجام دهند؟ قدرت نرم اتحادیه اروپا در زمینه کرونا ویروس با شکست روبرو شد. زیرا کمک کننده کشورهای ایتالیا و اسپانیا، روسیه و چین بوده‌اند که با انتقال تجهیزات پزشکی، هواپیماهای باری و ... موفق‌تر از اتحادیه اروپا عمل نموده‌اند. بنابراین مناسبات کشورهای این منطقه در دوره پسا کرونا ویروس با تحولات و دگرگونی‌های ویژه‌ای روبرو خواهد شد. این بار ممکن است به مقابله با بیماری‌های واگیردار براساس همبستگی داخلی و اعتبار خارجی کمتر نسبت به گذشته همراه باشد. به عنوان نتیجه می‌توان بیان نمود که اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن باید تلاش کنند صرفه-

جویی‌هایی را در بعد سیاسی و اقتصادی داشته باشند تا از این طریق قادر شوند منابع بیشتری برای تقویت بعد اقتصادی و سیستم بهداشتی اختصاص دهند.

مناسبات ژئوپلیتیک جهانی

جهانی شدن اصطلاحی است برای توصیف نمودن وابستگی متقابل و رو به رشد اقتصادها، فرهنگ‌ها، جمعیت‌های ناشی از تجارت جهانی در بخش کالا و خدمات و جریان سرمایه‌گذاری و اطلاعات است (Peterson Institute for International Economics, 2019). نیروی محرکه برای افزایش مشارکت اقتصادی جهت تسهیل جنبش‌های مختلف در طی قرن‌های متمادی وجود داشته است. اما این اصطلاح از دهه ۱۹۹۰ شکل جدیدی از مناسبات اقتصادی و زندگی مردم کشورهای جهان را شکل داد. آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری، تغییر در فناوری و آزادسازی آنها (Betoret, 2020: 181)، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فرایندهای زیست‌محیطی (Tendall, 2015) و همچنین تقویت متقابل آنها از تاثیرات جهانی شدن است. منفرد استیگر دانشمند علوم سیاسی بیان می‌کند جهانی شدن به معنای تشدید روابط اجتماعی در سراسر جهان است که سبب نزدیکی مناطق و مکان‌های دور دست به گونه‌ای می‌شود که اتفاقات محلی و حوادثی که رخ می‌دهد دارای تاثیرگذاری قابل توجهی باشد (Steger, 2013: 13). در این بحث می‌توان کروناویروس را نیز در نظر گرفت. بیماری‌ها در فرایند جهانی شدن می‌توانند اختلالاتی را به وضوح ایجاد نمایند. گردش کالا، خدمات و ... در عرصه جهانی با اختلالات قابل توجهی روبرو می‌شوند. در این بین، وخیم‌تر شدن نابرابری اقتصادی، ظرفیت جهانی شدن اقتصاد را در عرصه بین‌المللی زیر سوال می‌برد. حتی صندوق بین‌المللی پول از تاثیرات این نابرابری به وضوح به عنوان یک تهدید علیه جهانی شدن اقتصادی نام برده است. کند شدن ادغام اقتصادی در این دوره می‌تواند مویده این نکته باشد که جهانی شدن به پایان خود رسیده است. به عنوان مثال دونالد ترامپ با تحمیل تعرفه بالاتر بر متحدین و عقب راندن مشارکت ایالات متحده آمریکا از معاهدات تجاری بزرگ مانند مشارکت در حوزه اقتصادی اقیانوس آرام، جهانی شدن اقتصادی را به چالش کشانده است. در واقع می‌توان بیان نمود که می‌توان انتظار داشت کروناویروس جدید الگوهای

تجارت جهانی را تغییر دهد و شاید به طریقی به ویژگی‌ها و خصوصیات محلی بازگردد. به عنوان مثال کمک‌های بی‌سابقه دولت برای مشاغل و کارگران، با هدف کاهش اثرات اقتصادی این بیماری سبب شده است تا برخی از تحلیلگران استدلال نمایند که دولت به عقب بازگشته است و اینکه محدودیت‌های مدل نولیبرالی و بازار آزاد ظهور یافته است.

ساختار ژئوپلیتیک جهان

ساختار قدرت در عصر کنونی به صورت اجتناب‌ناپذیری از فرایندهایی مانند شرکت‌های چندملیتی، رژیم‌های خصوصی، جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی و تشکیل شده است. بنابراین قدرت به صورت انحصاری توسط دولت‌ها و یا به صورت عمودی سازماندهی نمی‌شود بلکه از طریق مجموعه‌ای از ارتباطات اجتماعی و اقتصادهای برون‌مرزی به صورت افقی ساختار بندی دارد (Cerny, 2010: 65). بنابراین می‌توان بیان نمود که ساختار قدرت به صورت سلسله‌مراتبی و یا از بالا به پایین، خارج و توسط اتحادها، ائتلاف‌ها و ... به چالش کشیده می‌شود (آجیلی، ۱۳۹۵: ۱۶۵). ساختار قدرت در جهان امروز به صورت تک-قطبی می‌باشد که در راس آن ایالات متحده آمریکا قرار دارد. کشورهای چین، روسیه و اتحادیه اروپا جزء قدرت‌های رده دوم محسوب می‌شوند. در این بین چین با قدرت بالایی که در عرصه اقتصادی دارد به دنبال کسب ابرقدرتی در عرصه بین‌المللی است و تاکنون با سیاست‌های اقتصادی کلان خود تا حدودی در این عرصه موفق عمل نموده است. پس از اشتباهات اولیه دولت چین در بحث کرونا و ویروس که نخستین بار در ووهان چین کشف شد این موضوع به یک موفقیت ملی تبدیل شد. می‌توان بیان نمود که اقدامات شدید برای سرکوب نمودن این بیماری در حد زیادی انجام شده است. اکنون چین با کمک‌های خود به ایتالیا و کشورهای آسیب دیده اعتبار خود را به عنوان یک قدرت جهانی بدست آورده است. این ویروس در واقع به یک ابزار قدرت نرم برای غلبه بر رقیب ابرقدرت خود، ایالات متحده آمریکا، تبدیل شده است. دستاوردهای چین در ارتباط با این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که اثربخشی مدیریت داخلی آنها بسیار موفق عمل نموده است. این مسئله می‌تواند ساختار قدرت را در عرصه جهانی دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای کند.



مدل مفهومی تحقیق

تدوین سناریوهای تأثیرات ژئوپلیتیکی کرونا

آینده‌نگری دربرگیرنده مجموعه اقداماتی می‌باشد که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع موجود، الگوهای موردقبول و عوامل ثابت و متغیره، به ترسیم آینده به صورت بالقوه می‌پردازد. آینده‌نگاری قادر است تا با تدوین سناریوهایی، امروز و واقعیت جهان فردا را به تصویر بکشد و آینده‌هایی که به صورت مطلوب هستند را با برنامه‌ریزی مناسب و صحیح ترسیم نماید (Bell, 2008). آینده‌نگاری در واقع قادر است تا به معرفی و توصیف نیروهایی که می‌توانند بر تصمیمات، تأثیرات قابل توجهی داشته باشند بپردازد (Glenn, 2009). در واقع این عامل کمک می‌نماید سیاست‌ها و اقدامات مناسب مطابق با آینده موردنظر از سوی سیاستمداران و برنامه‌ریزان در ابعاد و جنبه‌های مختلف گرفته شود؛ زیرا آینده‌نگاری می‌تواند با فراهم آوردن شواهدی در فرایندهای برنامه‌ریزی استراتژیک مورد توجه قرار گیرد (Roney, 2011). سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها و ارزش‌های برتر آینده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). هدف سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر

کردن طیف بدیل‌هایی است که می‌تواند مورد نظر باشد. برنامه‌ریزی بر پایه این سناریوها، یک ابزار مؤثر برنامه‌ریزی راهبردی برای برنامه‌ریزی بلندمدت در شرایط نامشخص است. این به ما کمک می‌کند تا با راهبرد مطلوب و مؤثر، اقدام به تدوین طرح‌ها برای موقعیت‌های غیرمنتظره و انتخاب مسیر درست و مناسب مربوط به مسائل کنیم (موسوی و کهکی، ۱۳۹۶: ۱۱۳). با توجه به اینکه بحران همه‌گیری کرونا به‌عنوان یک عامل بیماری‌زایی مشترک در تمامی جوامع بشری و سازه‌های سیاسی فضایی مختلف شناخته می‌شود، جای دارد تا با رویکرد آینده‌نگری به پیامدهای این بیماری بر ساختار ژئوپلیتیک جهانی پرداخته شود.

وضعیت‌های احتمالی عوامل کلیدی

وضعیت‌های مختلف پیش‌روی ۸ پیش‌ران کلیدی فوق قابل تصور است که این وضعیت‌های احتمالی در تأثیرات ژئوپلیتیکی کرونا بر جهان از اهمیت زیادی برخوردار هستند. با توجه به مباحث گذشته و بر اساس وضعیت‌های احتمالی آینده پیش‌روی وضعیت ژئوپلیتیکی جهان، مجموعاً ۴۰ وضعیت مختلف برای ۸ عامل کلیدی طراحی شد که این وضعیت‌ها طیفی از شرایط مطلوب تا نامطلوب را شامل می‌شود. جدول ۱ وضعیت‌های احتمالی (عدم قطعیت‌ها) مختلف را در ارتباط با آینده وضعیت ژئوپلیتیکی جهان حاصل از انتشار ویروس کرونا نشان می‌دهد. بعد از تهیه فهرست وضعیت‌های احتمالی، به طراحی پرسشنامه در قالب ماتریس متقاطع کلیدی پرداخته شد و توسط متخصصان جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک پاسخ داده شد. نتایج پرسشنامه، داده‌های لازم را برای تدوین سناریو توسط نرم‌افزار سناریوویزارد فراهم کرد. با توجه به این مسئله که در اینجا هدف، تهیه سناریوهای ممکن از ۴۰ وضعیت احتمالی مربوط به ۸ عامل کلیدی است؛ انتظار می‌رود بیش از ۷۰۰ هزار سناریوی تلفیقی محتمل از میان این وضعیت‌های احتمالی استخراج شود که دربرگیرنده تمامی حالات پیش‌روی آینده تأثیرات ژئوپلیتیکی ناشی از ویروس کرونا در جهان باشد. نتایج به‌دست آمده از نرم‌افزار سناریوویزارد نشان می‌دهد که ۱۱ سناریو با سازگاری قوی و محتمل، ۱۷۰۹ سناریو با سازگاری ضعیف، ۱۰۸ سناریو نیز ناسازگار، پیش‌روی آینده تأثیرات ژئوپلیتیکی شیوع ویروس کرونا وجود دارد. شکل ۲ تابلوی سناریوهای با سازگاری قوی و به‌نوعی سناریوهای احتمالی را به همراه وضعیت‌های محتمل از نظر بحرانی بودن یا مطلوب بودن نشان می‌دهد. در این تابلوی سناریو،

رنگ سبز وضعیت کاملاً مطلوب، سبز کم‌رنگ نشان‌دهنده وضعیت نیمه مطلوب، رنگ زرد بیانگر وضعیت ایستا، رنگ صورتی در آستانه بحران و رنگ قرمز نشان‌دهنده وضعیت بحرانی است. تابلوی سناریوهای قوی از ۴۳ وضعیت احتمالی مختلف تشکیل شده است. همان‌گونه که در شکل شماره ۲ هم مشاهده می‌شود، از این ۴۳ وضعیت احتمالی، ۸ وضعیت بحرانی، ۷ وضعیت نیمه‌بحرانی، ۱۰ وضعیت ایستا، ۱۰ نیمه مطلوب، ۸ حالت نیز وضعیت مطلوب دارند. در مجموع ۴۲ درصد وضعیت مطلوب و ۵۸ درصد نیز وضعیت نامطلوب داشته‌اند. از ۱۱ سناریوی محتمل، سناریوهای ۹، ۱۰ دارای وضعیت مطلوب، سناریوهای ۱، ۲، ۳، ۴ وضعیت نامطلوب داشته‌اند.

جدول ۱: عوامل اصلی و وضعیت‌های احتمالی پیش‌روی آن در آینده تأثیرات ژئواکونومیکی کرونا

عوامل کلیدی	حالت	شرح حالت‌های احتمالی	عامل
مولفه‌های ژئوپلیتیک (ارزش)	A1	کاهش کامل ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیک	A
	A2	کاهش نسبی ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیک	
	A3	تداوم وضعیت موجود ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیک	
	A4	افزایش نسبی ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیک	
	A5	افزایش قابل توجه ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیک	
مولفه‌های ژئوپلیتیک (تعداد)	B1	کاهش قابل توجه تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیک	B
	B2	کاهش نسبی تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیک	
	B3	تداوم وضعیت موجود تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیک	
	B4	افزایش نسبی تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیک	
	B5	افزایش قابل توجه تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیک	
بازیگران ژئوپلیتیک (جایگاه)	C1	کاهش قابل توجه جایگاه و نقش آفرینی بازیگران ژئوپلیتیک	C
	C2	کاهش نسبی جایگاه و نقش آفرینی بازیگران ژئوپلیتیک	
	C3	تداوم وضعیت موجود جایگاه و نقش آفرینی بازیگران ژئوپلیتیک	
	C4	افزایش نسبی جایگاه و نقش آفرینی بازیگران ژئوپلیتیک	
	C5	افزایش قابل توجه جایگاه و نقش آفرینی بازیگران ژئوپلیتیک	

کاهش قابل توجه تعداد بازیگران ژئوپلیتیک	D1	بازیگران ژئوپلیتیک (تعداد)	D
کاهش نسبی تعداد بازیگران ژئوپلیتیک	D2		
عدم تغییر تعداد بازیگران ژئوپلیتیک	D3		
افزایش نسبی تعداد بازیگران ژئوپلیتیک	D4		
افزایش قابل توجه تعداد بازیگران ژئوپلیتیک	D5		
کاهش و حرکت به سمت کنش منفی در مناسبات ژئوپلیتیک ملی	E1	مناسبات ژئوپلیتیک ملی	E
کاهش نسبی و حرکت به سمت کنش منفی در مناسبات ژئوپلیتیک ملی	E2		
عدم تغییر و تداوم وضعیت موجود مناسبات ژئوپلیتیک ملی	E3		
افزایش نسبی و حرکت به سمت کنش مثبت در مناسبات ژئوپلیتیک ملی	E4		
افزایش قابل توجه و حرکت به سمت کنش مثبت در مناسبات ژئوپلیتیک ملی	E5		
کاهش و حرکت به سمت کنش منفی در مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای	F1	مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای	F
کاهش نسبی و حرکت به سمت کنش منفی در مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای	F2		
عدم تغییر و تداوم وضعیت موجود مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای	F3		
افزایش نسبی و حرکت به سمت کنش مثبت در مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای	F4		
افزایش قابل توجه و حرکت به سمت کنش مثبت در مناسبات ژئوپلیتیک منطقه‌ای	F5		
کاهش و حرکت به سمت کنش منفی در مناسبات ژئوپلیتیک جهانی	G1	مناسبات ژئوپلیتیک جهانی	G
کاهش نسبی و حرکت به سمت کنش منفی در مناسبات ژئوپلیتیک جهانی	G2		
عدم تغییر و تداوم وضعیت موجود مناسبات ژئوپلیتیک جهانی	G3		
افزایش نسبی و حرکت به سمت کنش مثبت در مناسبات	G4		

نتیجه گیری

شیوع بیماری کرونا در چند ماه گذشته و پیامدهای منفی آن بر فضاهاى مختلف باعث بروز مسائل عدیده‌ای در ساختار قدرت جهانی و مناسبات بین بازیگران سیاسی شده است. به عبارت دیگر تاثیرات مختلف این ویروس بر روی فضای جهانی در ابعاد مختلف، زمینه‌ساز پیامدهای مختلف در ساختار قدرت جهانی شده است. از این رو مقاله به بررسی پیامدها و آینده تاثیرات ژئوپلیتیکی شیوع کرونا و استراتژی‌های پیش‌روی بازیگران در برابر سناریوهای مختلف پرداخته است. بدین منظور ابتدا ۸ عامل کلیدی موثر (پیشران) در ابعاد مختلف ژئوپلیتیکی به منظور بررسی تاثیرات شیوع ویروس کرونا بر آنها شناسایی شده و بر اساس آن حالت‌های احتمالی ممکن که برای هر کدام از ۸ عامل کلیدی که می‌شود تصور نمود تدوین شد و در نهایت برای ۸ پیشران اصلی شناخته شده تحقیق، ۴۰ حالت مختلف (عدم قطعیت) در نظر گرفته شد. در بحث آینده‌نگاری، مسئله مهم این است که بازیگران حاضر در عرصه بتوانند برای هر حالت و سناریوی ممکن استراتژی خاصی را داشته باشند به عبارت دیگر بازیگری در آینده می‌تواند موفق عمل کند که درک بهتری از شرایط مختلف داشته باشد و مبتنی بر شرایط مختلف استراتژی خاصی را در پیش بگیرد، در این صورت است که بازیگر می‌تواند تداوم حکومت خود را حفظ کند. از ۴۳ حالت موجود در تخته سناریو، ۱۵ حالت و به عبارتی ۳۵ درصد نشان دهنده احتمال وقوع شرایط نامطلوب، ۱۸ حالت و یا ۴۲ درصد حالت‌های موجود در شکل ۲ بیانگر احتمال رخ دادن حالت و وضعیت مطلوب است، ۲۳ درصد حالت‌های هر ۱۱ سناریوی سازگار و قوی بدست آمده از نتایج پرسشنامه نشان از احتمال تداوم وضعیت موجود در هر ۸ پیشران تدوین شده تحقیق است. از طرف دیگر نتایج سناریوها نشان می‌دهد که از ۱۱ سناریوی سازگار و قوی تحقیق، ۴ سناریوی بحرانی پیش‌روی آینده تاثیرات ژئوپلیتیکی کرونا بوده و همچنین ۲ سناریوی مطلوب نیز وجود دارند، مابقی سناریوها بینابینی بوده و تلفیقی از حالت‌های مختلف‌اند. نتایج سناریوها بیانگر آن است که ۳۶ درصد سناریوهای پیش‌روی آینده ژئوپلیتیکی کرونا بحرانی بوده و در صورت وقوع، منجر به مشکلات مختلف می‌شود. از این رو لازم است بازیگران قدرت در کلیه سطوح برای مواجهه با شرایط مختلف، استراتژی‌های مختلفی را در پیش بگیرند. بدین

جهت در ادامه استراتژی‌های پیشنهادی که حکومت‌های می‌توانند برای شرایط مختلف در پیش بگیرند تدوین شده که عبارتند از:

- استراتژی شرایط بحرانی: تغییر و جایگزینی مولفه‌ها، مناسبات و ساختار ژئوپلیتیکی

به صورت کلی اگر بحرانی‌ترین حالت ممکن برای هر کدام از ۸ پیشران کلیدی که مهم‌ترین تأثیرات ژئوپلیتیکی کرونا هستند رخ دهد، استراتژی بازیگران در ارتباط با کاهش ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیک عبارتست از: تغییر و جایگزینی مولفه‌های ژئوپلیتیکی موجود تا از این طریق بتواند مسائل و مشکلات پیش آمده را کنترل نمایند. در واقع منظور از مولفه‌های ژئوپلیتیکی منابع جغرافیای قدرتی هستند که ارزش آن‌ها در مقیاس ملی و فراتر باشد و در مناسبات فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرند، در صورت کاهش نسبی و کاهش کامل ارزش (تاثیر) و تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیکی؛ بهترین استراتژی برای گذر از این وضعیت، تغییر و جایگزینی مولفه‌های جدید است. نمونه این مولفه‌ها و ارزش آن‌ها که تحت تأثیر کرونا قرار گرفته است، منابع جغرافیای قدرت، سوخت-های فسیلی مثل نفت و گاز است، که در برهه‌ای ارزش این منابع به کمترین میزان ممکن رسید و بر این اساس؛ استراتژی بازیگران دارنده این منبع جغرافیای قدرت، کاهش عرضه و تولید این محصول بوده است. در زمینه مناسبات ژئوپلیتیکی هم، تأثیرات کرونا باعث تغییر نوع مناسبات بازیگران در سطوح مختلف شد، بازیگرانی که قبل از کرونا مرزهای بازی برای شهروندان همدیگر داشتند؛ بر اساس شرایط جدید پیش آمده از کرونا، مناسبات خود را در سطح ملی با دیگر بازیگران تغییر دادند، نمونه اینکار در مرزهای بین کشورهای اروپایی رخ داد و این مناسبات در سطح ملی، منجر به تحولات در مناسبات منطقه‌ای بازیگران در سطح منطقه‌ای چون اتحادیه اروپا شده و همچنین در سطح جهانی نیز مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک نیز تغییر کرده و کشورهایی که از لحاظ پزشکی قدرتمند هستند امروزه دست بالاتر را نسبت به کشورهای که قدرت نظامی بیشتری داشتند، دارند و بر اساس این تغییر ساختار ژئوپلیتیک حاصل از کرونا، مناسبات بین کشورها نیز تغییر کرده است. به عبارت بهتر شیوع ویروس کرونا با توجه به تأثیری که بر روی ارزش و تعداد مولفه‌های منابع جغرافیایی

قدرت داشته و به دلیل با اهمیت بودن منابع جغرافیایی در مناسبات ژئوپلیتیکی باعث شده که مناسبات کاهش پیدا کرده و به سمت تنش بیشتر حرکت کند، در صورت تداوم این کاهش مناسبات در مقیاس‌های مختلف، استراتژی پیش‌رو جایگزینی منابع جدید و کاربست آن‌ها در مناسبات در سطوح مختلف است.

- استراتژی شرایط در آستانه بحران و یا نیمه بحرانی: بازآفرینی و بازساخت

در صورت تداوم وضعیت موجود و وارد شدن به شرایط نیمه‌بحرانی در آینده، استراتژی پیش‌روی بازیگران ژئوپلیتیکی بازآفرینی و بازساخت مولفه‌ها و مناسبات ژئوپلیتیکی موجود است. به نظر می‌رسد شرایط فعلی که در اکثر نظام‌های سیاسی درگیر با کرونا وجود دارد وضعیت و حالت در آستانه بحران بودن است که در صورت عدم بازآفرینی و بازساخت وضعیت موجود ناشی از کرونا تغییر مولفه‌ها و ساختار مناسبات بازیگران خواهد بود، به عبارت دیگر لازمه عدم ورود به مرحله بحرانی‌تر، بازآفرینی و بازساخت مولفه‌ها، مناسبات و ساختار ژئوپلیتیکی موجود است. آنچه که امروزه بازیگران ژئوپلیتیک در ارتباط با پیامدهای کرونا بر روی فضاها خود در پیش گرفته‌اند به صورت‌های مختلف بازآفرینی و بازساخت مولفه‌های ژئوپلیتیک هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ ارزش است، به عبارت بهتر آنچه که بازیگران ژئوپلیتیک امروزه در ارتباط با جلوگیری از کاهش منابع جغرافیای قدرت که در دست دارند انجام می‌دهند و سعی در بازآفرینی منابع جغرافیای قدرت خود دارند که از کاهش ارزش آن جلوگیری نمایند، اقداماتی مانند ۱- کاهش سطح تولیدات نفتی در سازمان اوپک پلاس جهت جلوگیری از کاهش بیشتر ارزش منبع جغرافیای قدرت نفت و ۲- تلاش بازیگران به منظور کشف داروی کرونا و تبدیل آن به منبع جغرافیای قدرت جدید به منظور افزایش تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیکی و بهره گرفتن از آن‌ها در مناسبات سیاسی خود با سایر بازیگران ژئوپلیتیکی است. به هر روی آنچه که بازیگران ژئوپلیتیکی در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط موجود در پیش دارند تلاش برای جلوگیری از کاهش ارزش مولفه‌های ژئوپلیتیکی و تعداد آن‌ها به وسیله بازآفرینی و بازساخت این منابع است. در زمینه مناسبات ژئوپلیتیکی نیز همین مسئله صادق است؛ کاهش و حرکت به سمت کنش منفی بین بازیگران

ژئوپلیتیکی در مقیاس‌های مختلف باعث تشدید مخاصمات و پیش رفتن به سوی جنگ است و جنگ نیز بازی دو سر باخت برای هر دو طرف است. بازآفرینی و بازساخت مناسبت‌های ژئوپلیتیکی بازیگران در سطوح و مقیاس‌های مختلف زمینه را برای افزایش همگرایی و کمک جهانی برای حل معضل بیماری کرونا بیش از پیش فراهم می‌کند، بنابراین در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط، بازآفرینی و بازساخت مناسبات بهترین استراتژی پیش‌روی بازیگران به منظور کاهش پیامدهای منفی کرونا خواهد بود. پیامدهای منفی ویروس کرونا بر کشوری همانند آمریکا و انگلستان باعث شده که این بازیگران به دنبال افزایش سطح تنش با کشور چین به‌عنوان مرکز شیوع این بیماری باشند، نتیجه این افزایش تنش کاهش زمینه‌های همکاری برای تولید زودتر واکسن این بیماری خواهد بود. از این‌رو تلاش برای بازآفرینی و بازساخت مناسبات و ساختار بازیگران ژئوپلیتیکی به منظور عدم بحرانی شدن بیشتر شرایط استراتژی پیش‌روی بازیگران خواهد بود در صورت وقوع، شرایط نیمه‌بحرانی است.

- استراتژی تداوم وضعیت موجود: تعدیل مسئولیت‌های بازیگران و مناسبات

داخلی و خارجی آنها

برای بازیگران ژئوپلیتیکی درگیر تأثیرات کرونا همچون کشورها، اتحادیه‌های منطقه‌ای و سازمان‌های جهانی، در صورت تداوم وضعیت موجود، بنظر تعدیل مسئولیت‌ها و نیروهای تحت امر، مناسب‌ترین استراتژی برای حل مشکلات باشد. این استراتژی در صورتی که وضعیت مولفه‌های ژئوپلیتیکی چه از لحاظ ارزش و چه از لحاظ تعداد به سمت بحرانی‌تر شدن پیش برود (همانند آنچه که امروزه در جریان است) گزینه اصلی پیش‌روی تعدیل سیاست‌های مرتبط با وضعیت منابع جغرافیای قدرت چه از لحاظ ارزش و چه از لحاظ تعداد است، به عبارتی کم کردن از میزان هزینه‌های جاری و تا حد امکان کاستن از مخارج اضافی برای جلوگیری از زیان بیشتر، توجیه‌کننده در پیش گرفتن این استراتژی در صورت تداوم وضعیت کاهشی ارزش و تعداد مولفه‌های ژئوپلیتیکی، دلیل شیوع این ویروس توسط بازیگران خواهد بود. به عبارت دیگر استراتژی بازیگران برای مقابله با ضرر کمتر در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط موجود در حوزه مناسبات خارجی، یا ۱- کاهش مقدار و سطح

کمک‌های بلاعوض یا وام‌های کم‌بهره به گروه‌های خارجی که به دلیل مقاصد سیاسی انجام می‌شد، و یا ۲- کم کردن کمک به کشورهای جنگ‌زده چون افغانستان یا ۳- کاهش بودجه سازمان‌های جهانی همچون سازمان بهداشت و ... خواهد بود. در واقع نظام‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی به دلیل تبعات این بیماری تا حدودی کارآیی قبلی خود را از دست داده‌اند و این ناشی از در پیش گرفته شدن سیاست تعدیل مسئولیت‌ها و کوچک‌تر نمودن سازمان‌ها برای کاهش هزینه‌ها است، نمونه این کار را می‌توان در عدم کمک مناسب اتحادیه اروپا به اعضای خود (ایتالیا و اسپانیا) که ناشی از عدم رغبت سایر کشورهای عضو برای کمک فوری بوده دانست. به عبارت دیگر کشورها بیشتر سعی می‌کنند سیاست رو به داخل داشته باشند تا رو به خارج.

-استراتژی بهبود وضعیت موجود: بهبود و تقویت مولفه‌ها، مناسبات و ساختار ژئوپلیتیکی بازیگران

در صورتی که شرایط موجود رو به بهبود نهد و وضعیت مناسب‌تر شود؛ بهترین استراتژی پیش‌روی بازیگران ژئوپلیتیکی، می‌بایست تقویت ساختارهای موجود باشد تا برای شرایط بحرانی دیگری که بر اساس تجربه تاریخی انسان‌ها همیشه رخ می‌دهد آماده‌تراز وضعیت موجود باشند. در واقع تقویت مناسبات به نحوی که بتوان بیشترین همگرایی و سریع‌ترین تصمیم‌گیری را در کوتاه‌ترین زمان ممکن داشت؛ مناسب‌ترین استراتژی برای شرایط بهبود وضعیت موجود است، وضعیتی که در آن فضاها به صورت‌های مختلفی به سمت نابسامانی در حرکت بوده در واقع بروز چنین شرایطی شاید زمینه لازم را برای در پیش گرفتن استراتژی تقویت ساختارها و مناسبات در زمان بهبود وضعیت موجود به همراه داشته باشد. تجربه تاریخی انسان‌ها بعد از جنگ و بیماری‌های مهلک نشان می‌دهد که انسان‌ها کمتر به دنبال بهبود ساختارها برای به سامان‌تر شدن فضا هستند، و بیشتر تمایل دارند که حتی در صورت نابودی فضاها دیگر به اهداف خود در مناسبات با سایر بازیگران برسند. از سوی دیگر تقویت مولفه‌های ژئوپلیتیکی به منظور تاب‌آوری بیشتر آن‌ها در شرایط مختلف است، در واقع در صورت بهبود وضعیت فعلی که در آن مولفه‌های ژئوپلیتیکی (منابع جغرافیای قدرتی

که بازیگران در مناسبات سیاسی خود از آن بهره می‌برند) ارزش خود را نسبت به قبل از دست داده‌اند. استراتژی تقویت این مولفه‌ها به صورت‌های مختلف به منظور کمک به بازیگران برای رسیدن به اهداف خود در مناسبات با دیگر بازیگران است.

در آخر می‌توان گفت همان‌گونه که در تعریف ژئوپلیتیک بیان شد، بازیگران ژئوپلیتیک در پی یافتن بهترین استراتژی در مناسبات خود با استفاده از منابع جغرافیای قدرت به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر در این مناسبات است. در شرایط فعلی که کرونا تأثیرات زیادی بر روی وضعیت ژئوپلیتیکی کشورها گذاشته، بازیگران مختلف به صورت‌های گوناگون در پی یافتن بهترین استراتژی برای غلبه بر شرایط فعلی هستند که ۴ استراتژی بیان شده از جمله کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین، کارآمدترین و آینده‌نگرانه‌ترین استراتژی‌های ممکن پیش‌روی بازیگران ژئوپلیتیکی باشند. مسئله مهم این است که بازیگری موفق خواهد بود که بتواند با آینده‌نگری دقیق و با شناخت مشکلات بتواند هم‌زمان چندین استراتژی را برای رسیدن به اهداف خود در پیش بگیرد. به عبارت بهتر ۴ استراتژی بیان شده ممکن است هم‌زمان از سوی بازیگران در شرایط مختلف مورد استفاده قرار بگیرد، بنابراین مسئله اصلی در ارتباط با این ۴ استراتژی شناخت دقیق شرایط درونی و بیرونی توسط بازیگر برای انتخاب نوع استراتژی جهت رسیدن به منافع و اهداف خود است.

منابع

الف - فارسی

- آجیلی، هادی، بانکیان، نژلا، (۱۳۹۵)، «تائیر تغییر ساختار قدرت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بر شکل گیری دولت رقابتی»، فصلنامه دولت پژوهی، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۵.
- الهی منش، محمدحسن، اولاد، هادی، (۱۳۹۷)، «تائیر دفاع مقدس بر تقویت و تحکیم ناسیونالیسم اجتماعی»، فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین المللی، سال نهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۷.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی یزدی.
- جان پرور، محسن، (۱۳۹۶)، ژئوپلیتیک برای همه، چاپ اول، تهران: انتشارات انتخاب.
- خلف زاده، رشید، (۱۳۹۰)، بررسی تائیر اندیشه های میرزا تقی خان امیرکبیر در اعتلای ناسیونالیسم ایرانی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، جغرافیای سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- زارع بیدکی، مجید، بلالی، مهدی، (۱۳۹۴)، «بیوتروریسم و جنگ افزارهای بیولوژیک، از گذشته تا به امروز: یک مطالعه مروری کلاسیک»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- میرحیدر، دره، (۱۳۷۹)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

ب- انگلیسی

- Altunışık, Meliha, (2010), Geopolitics and the Study of International Relations, August 2010, Thesis Submitted to the Graduate School of Social Sciences of Middle East Technical University, Approval of the Graduate School of Social Sciences.
- Allhoff, F., Evans, N. G., and Henschke, A, (2013), *Rutledge Handbook of Ethics and War*, New York: Rutledge.

- Buzan, People, (1994), *States, and Fear; and United Nations Development Programme* (UNDP), Human Development Report, 1994, New York: UNDP, 1994.

- Betoret, E., & Betoret, N, (2020), “Globalization of Technologies, Sustainability of the Food System”, doi:10.1016/b978-0-12-818293-2.00010-0.

- Bowlsby, Drew, Erica Chenoweth, Cullen Hendrix, Jonathan D. Moyer, (2019), “The Future is a Moving Target: Predicting Political Instability”, *British Journal of Political Science*, doi:10.1017/S0007123418000443.

- Bai, Jing-Jing, (2020), “Covid-19 Promotes the Geopolitical Transformation of Northeast Asia”, May 2020, [https:// www. researchgate. net/ publication/ 341000858_ Covid-19_ promotes_ the_ geopolitical_ transformation_ of_ Northeast_ Asia](https://www.researchgate.net/publication/341000858_Covid-19_promotes_the_geopolitical_transformation_of_Northeast_Asia).

- Cahnman, Werner J, (1943), “Concepts of Geopolitics”, *American Sociological Review*, Vol. 8, No. 1.

- Cerny, Philip, (2010), *Rethinking World Politics*, Oxford: Oxford University Press.

- Cimmino, Jeffrey, Matthew, Kroenig, Barry, Pavel, (2020), “Taking Stock: Where are Geopolitics Headed in the COVID-19 Era?”, [https:// www. atlanticcouncil. org/ in- depth- research- reports/ issue- brief/ taking- stock- where- are- geopolitics- headed- in- the- covid- 19- era](https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/taking-stock-where-are-geopolitics-headed-in-the-covid-19-era).

- Commission on Human Security, (2003), *Human Security Now: Protecting and Empowering People*, New York: United Nations, 2003, chap. 6.

- Centers for Disease Control and Prevention, Recommendations of the CDC Strategic Planning Workgroup Biological and Chemical Terrorism: Strategic Plan for Preparedness and Response, *MMWR Recomm Rep* (2000), 49 (RR-4).

- Costa, Wanderley Messias da, (2008), *Geografia Política e Geopolítica*, Edusp, pp: 243.

- Cavalla, A. Chateaux, J, (1977), “La Geopolitics y el Fascismo Dependiente”, *Revista “PRINCIPIOS”*, Mexico City: Casa de Chile, available at: [http://www.blest.eu/ biblio/ cavalla/ index. html](http://www.blest.eu/biblio/cavalla/index.html) Accessed at: 2016, 4 March.

- Dodds, Klaus, (2007), *Geopolitics: A Very Short Introduction*, New York: Oxford University Press.

- Fung, Archon, (2020), "COVID-19 Requires More Democracy, Not Less", in *Boston Review* (April 23, 2020), [http:// www. bostonreview. net/ politics/ archon-fung-covid-19-requires-more-democracy-not-less](http://www.bostonreview.net/politics/archon-fung-covid-19-requires-more-democracy-not-less).

- Hisbourg, R, (2020), "From Wuhan to the World: How the Pandemic Will Reshape Geopolitics", *Global Politics and Strategy*, Volume 62, - Issue 3, <https://doi.org/10.1080/00396338.2020.1763608>.

- Koblentz, Gregory D, (2010), "Biosecurity Reconsidered: Calibrating Biological Threats and Responses, See discussions", Stats, and Author Profiles for this Publication at: [https:// www. researchgate. net/ publication/ 254947885](https://www.researchgate.net/publication/254947885), All content following this page was uploaded by Gregory D Koblentz on 22 January 2016.

- Klimkin, Pavlo, (2020), "Geopolitical Implications and Challenges of the Coronavirus Crisis for Ukraine", *World Affairs*, Vol. 183, Issue 3, 2020.

- Kurt, M, (2020), "Campbell and Rush Doshi", The Coronavirus Could Reshape Global Order, *Foreign Affairs*, March 18, [https:// www. foreignaffairs. com/articles/2020-03-18/coronavirus-could](https://www.foreignaffairs.com/articles/2020-03-18/coronavirus-could).

- Longman Dictionary of Contemporary English, Essex: Longman, p. 433.

- Lionel Laurent, Salvini, Le, (2020), "Pen Don't Have a Coronavirus Cure", *Bloomberg*, February 25, [https:// www. bloomberg. com/ opinion/ articles/2020-02-25/salvini-and-le-pen-don-t-have-a-european-coronavirus-cure](https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2020-02-25/salvini-and-le-pen-don-t-have-a-european-coronavirus-cure).

- Jessica T, Matthews, (1997), "Power Shift", *Foreign Affairs*, Vol. 76, No.

- (January/February 1997), and Michael E. Brown, "Security Problems and Security Policy in a Grave New World, in Brown, ed., *Grave New World: Security Challenges in the 21st Century* (Washington, D.C. Georgetown University Press, 2003).

- Morens DM, Folkers GK, Fauci AS, (2008), "Emerging Infections: A Perpetual Challenge", *Lancet Infect Dis*, 2008, Vol. 8, No. 11.

- Narayan, N, (2017), "Disaster Preparedness: Biological Threats and Treatment Options", *Pharmacotherapy*, Volume 38, Issue 2, February 2018, Pages 217-234, <https://doi.org/10.1002/phar.2068>.

- Richard H. Ullman, (1983), "Redening Security," *International Security*,

Vol. 8, No. 1 (Summer 1983), and Barry Buzan, *People, States, and Fear: The National Security Problem in International Relations* (Brighton, U.K. Harvester Wheatsheaf, 1983).

- Roberts Anthea, Nicolas Lamp, (2020), "Is the Virus Killing Globalization? There's No One Answer", *Barron's*, March 15, 2020, <https://www.barrons.com/articles/is-the-virus-killing-globalization-theres-no-one-answer-51584209741>.

- Regens, James L. & John S. Beddows, (2020), "The COVID-19 Pandemic and Geopolitics, Now Reading: The Covid-19 Pandemic and Geopolitics", June 01, <https://thestrategybridge.org/the-bridge/2020/6/1/the-covid-19-pandemic-and-geopolitics>.

- Petta, D leon, (2019), "Delimiting Geopolitics: A Formal Approach to Define the Geopolitical Subject", *Delimitando a Geopolítica: Uma Abordagem Formal para Definir o Sujeito Geopolítico*, *Rev. Bras. Est. Def.* v. 5, nº 1, jan./jun. 2018, DOI: 10.26792/RBED.v5n1.2018.75036 ISSN 2358-3932.

- Peterson Institute for International Economics, (2019), <https://www.piie.com/microsites/globalization/what-is-globalization.html> Accessed September 2019.

- Smolinski MS, Hamburg MA, Lederberg J, eds, (2003), *Microbial Threats to Health: Emergence, Detection, and Response*, Washington DC: The National Academies Press.

- Tendall, D.M., et al, (2015), *Food System Resilience: Defining the Concept*, *Global Food Security*, 6 (2015).

